

پرده نقره‌ای

۳ فیلم با یک توقیف

فرانک آرتا



● مدت کوتاهی از نمایش فیلم‌های توقیفی سال‌های پیش نگذشته، ناگهان دوباره خبر توقف و توقیف فیلمی را شنیدیم. ظاهرا سینمای ایران در هیچ زمانی نمی‌تواند روی خوش آرامش را ببیند! اصل ماجرا به سال‌ها پیش برمی‌گردد. از زمانی که صدواسیمیا با نگاه سلیقه‌ای به برخی از فیلم‌های سینمای ایران روی خوش نشان نداده و براساس رویکرد خود به تبلیغ گزینشی فیلم‌ها اقدام می‌کند؛ نکته‌ای که همواره مورد اعتراض عوامل سینما قرار گرفته است. از قضا با ظهور شبکه‌های فارسی‌زبان ماهواره‌ای که طبق قانون «معاند» محسوب می‌شوند برای اینکه خودی نشان بدهند، مباردت به پخش تیزرهای فیلم‌های سینمایی کرده‌اند. البته در پی این اقدام چندی پیش دادسرای فرهنگ و رسانه از تعدادی از تهیه‌کنندگان فیلم‌های سینمایی دعوت به عمل آورد و جلسه دوست‌انای برگزار کرد و طبق گفته‌های حاضران در نشست، غیرقانونی‌بودن موضوع را متذکر شدند. تهیه‌کنندگان هم اظهار کردند که انتشار و تبلیغات آن تیزرها از طریق آنها صورت نگرفته است.
باین‌حال بعد از مدتی روند پخش تیزرها همچنان ادامه پیدا کرد، بدون اینکه کسی از اهالی سینما بر اصل قضیه صحه بگذارد. تا اینکه هفته گذشته تبلیغات سسه فیلم «عادت نمی‌کنیم»، «ایستاده در غبار» و «رسوایی ۲» در شبکه‌های جم به نمایش درآمد و جنجالی به پا شد. معاون دادستان طی نامه‌ای رسمی به سازمان سینمایی، نمایش فیلم «عادت نمی‌کنیم» به کارگردانی ابراهیم ابراهیمیان را متوقف کرد. مهسا همتی، مدیر‌امور رسانه‌ای سینمایی «عادت نمی‌کنیم»، در گفت‌وگو با «شرق» اعلام کرد: براساس پیگیری‌های سازندگان فیلم، اکران این فیلم از روز جمعه ۲۱ خرداد متوقف شد». او درباره علت توقیف فیلم توضیح داد: «با حکم دادستانی و به دلیل پخش تبلیغات فیلم از شبکه‌های ماهواره‌ای فیلم توقیف شده است. البته بسیاری از بلیت‌های فیلم پیش‌فروش شده بود. بنابراین فیلم فقط از چهارشنبه تا پایان روز پنجشنبه ۲۰ خرداد به اکران عمومی درآمد». غلامرضا فرجی، سخنگوی شورای صنفی نمایش، تنها مدبری بود که نسبت به توقیف فیلم واکنش نشان داد و البته در گفت‌وگو با ایلنا، بررسی این مسئله را به امروز (شنبه) موکول کرد. البته خوشبختانه طبق شنبده‌ها، پس از توقیف فیلم، پازینی‌های فردهای از سوی سازمان سینمایی آغاز شده و همچنان ادامه دارد. همچنین یکشنبه هفته گذشته رئیس سازمان سینمایی در جلسه مشترکی با دادرسرای فرهنگ و رسانه و برخی از مقامات برای یافتن راه‌حل شرکت کرده است. شنبده‌ها حاکی از این است که زمینه‌های مساعدی برای حل مشکل فراهم شده و امید زیادی برای جلوگیری‌های مشکل وجود دارد. اما سؤال مهم و کلیدی همچنان به فوت خود باقیست؛ اینکه سسه فیلم نام‌برده که تیزرهای تبلیغاتی‌شان از شبکه‌های ماهواره‌ای پخش شده، متعلق به سینمای ایران هستند و طبعاً توقیف هرکدام به ضرر سینمای ایران است. اما سؤال این است که دلیل برخورد‌های دوگانه با این موضع چیست؟ چرا فقط فیلم «عادت نمی‌کنیم» زیر تیغ رفت؟ درحالی‌که دو فیلم دیگر در دجار چنین بلیه‌ای نشدند؟! به‌رحال هردم از این باغ بری می‌رسد/ نغزتر از نغزتری می‌رسد. از قضا اشعار روشنگرانه نظامی‌گنجوی، احوالات امروز سینمای ایران را به خوبی توصیف می‌کند! دست‌اندرکاران هر دو فیلم توقیف‌شده هم از خود واکنش نشان دادند. حبیب والی‌نژاد، تهیه‌کننده فیلم سینمایی «ایستاده در غبار»، نسبت به پخش غیرمجاز تیزر این فیلم متنی ارائه کرد. در این متن آمده است: «اعلام می‌کنیم که عوامل تولید و نمایش فیلم سینمایی ایستاده در غبار، هیچ درخواستی را برای نمایش هرگونه تیزر یا تبلیغی در آن شبکه نداشته‌اند. مقابلۀ با استکبار و جریانات ضدفرهنگ اسلامی مهترین منش زندگی سردار رشید اسلام، حاج احمد متوسلیان بوده و همین منش خالصانه نیز موجب اسارت سی‌وچندساله ایشان در دستان دشمنان است». مسعود دهنمکی هم این حرکت را محکوم کرد.



شرق: حاشیه‌های فیلم ۵۰۰ کیلو آلبالو، همچنان ادامه دارد. جدیدترین واکنش وزیر ارشاد به اعتراض‌ها درباره این فیلم این بود که «این فیلم از دست‌مان دررفته و اگر خودم در شورای پروانه نمایش بودم، از دادن مجوز به این فیلم جلوگیری می‌کردم». در ادامه این حاشیه‌ها مانی حقیقی، کارگردان فیلم، دومین نامه خود را خطاب به دکتر علی جنتی نوشت. در متن این نامه می‌خوانیم:

نامه دوم مانی حقیقی به وزیر ارشاد

جناب آقای جنتی،

وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی

سلام

به نقل از شما گفته شده که فیلم «پنجاه کیلو آلبالو»- که بعد از بیش از دو ماه نمایش و پانزده میلیارد تومان فروش، اخیراً به دستور شما متوقف شد- از دست اعضای شورای پروانه نمایش «در رفته بوده». اضافه کرده‌اید که این، امری «طبیعی» است و اگر خودتان بیش از اکران عمومی فیلم را دیده بودید؛ اجازه اکران به آن نمی‌دادید. این اظهارنظر‌ها نشان می‌دهد ارزیابی شما از شرایط تولید، سانسور و پخش محصولات سینمای ایران تا حدی نادرست است که لازم است بار دیگر مزاحم اوقات جناب‌عالی بشوم و توضیحاتی پیرامون این وضعیت ارائه کنم. امیدوارم برخلاف دفعه قبل، این بار زحمت مطالعه این چند سطر را به خودتان بدهید تا دوباره گرفتار تناقض‌گویی در ملاعام نشوید. قاعدتا باید روشن و واضح باشد انگیزه من در نگارش این یادداشت، صرفاً محدود به رفع سوءتفاهم‌ها پیرامون فیلم «پنجاه کیلو آلبالو» نیست؛ چرا که آن فیلم به‌خوبی موفق شده مخاطبان خودش را بیابد و رکوردهای فروش را نیز بشکند. بحث کلی‌تر و اسف‌بارتر از این حرف‌هاست. لطفاً به این سسه نکته توجه کنید:

۱. دستگاه ممیزی فیلم در ایران به شکلی طراحی شده که اصولاً، فیلمی نمی‌تواند از دست کسی در این دستگاه «در برود». ماجرای ممیزی فیلم «پنجاه کیلو آلبالو» به‌قدری طولانی، پرتنش، و غامض بود که هیچ گوشه‌ای از فیلم نمی‌توانست از چشمان ناقد اعضای محترم شورای پروانه نمایش دور بماند. درواقع، هنر من صرفاً در ساخت این فیلم خلاصه نشد، بلکه عبور فیلم از هزارتوی پریچ‌وخم ممیزی وزارت ارشاد خود به اندازه ساختن یک فیلم سینمایی نیاز به نوآوری، تخیل، و خلاقیت داشت. همان‌طور که در نامه اولم توضیح دادم، فیلم «پنجاه کیلو آلبالو» سسه بار از وزارت ارشاد پروانه ساخت گرفته (بار اول زیر نظر جناب آقای شمقدری). فیلم‌نامه آن ۱۴ مورد، اصلاحیه داشته که این چهارده مورد توسط شخص آقای جمال شورجه به تهیه‌کننده فیلم ابلاغ شده بوده. فیلم حداقل دوبار به شکل کامل توسط اعضای شورای پروانه نمایش بازبینی شده و این شورا هفده اصلاحیه بر آن اعمال کرده بودند. نیاز به یادآوری نیست که شوراهای پروانه ساخت و پروانه نمایش متشکل از افرادی است که سال‌هاست مشغول بازبینی و اعمال ممیزی بر فیلم‌نامه‌ها و فیلم‌های سینمای ایران هستند. هر فیلم‌ساز ایرانی می‌تواند به شما اطمینان بدهد هیچ نکته‌ای به این سادگی‌ها از دست افرادی مثل حجت‌الاسلام

تینا جلالی: منع تبلیغ فیلم‌ها

در شبکه‌های ماهواره‌ای با سخت‌گیری بیشتری از سوی مسئولان پیگیری می‌شود و در این صورت فیلم‌ها راه معرفی دیگری به مخاطب برای خود باید پیدا کنند. در شرایطی که هزینه‌های آگهی تلویزیون کشورمان سرسام‌آور است و به‌لحاظ مضمونی، هم برخی فیلم‌ها آگهی‌شان نمی‌تواند از تلویزیون

پخش شود. نظر تعدادی از فیلم‌سازان را دراین‌باره جوبا شدیم.

عسکریوز: عمل گرایانه برخورد کنند

این بحث ریشه قدیمی دارد. در زمان مدیریتم در خانه سینما، تعدادی از مستندسازان مشکلی برایشان به وجود آمده بود و جرمشان فروختن فیلمشان به شبکه بی‌بی‌سی بود. در آن زمان من با مقامات و مسئولان سینمایی صحبت‌هایی داشتم مبنی براینکه سینماگران مانند هر قشر دیگری نیاز دارند بداندن براساس کدام مواد قانونی، چه کاری انجام دهند. آنها باید بداندن براساس این بند قانونی می‌توانند یا نه شبکه‌ها کار کنند یا کار نکنند؟ تا آن زمان ماده قانونی وجود نداشت مگر اینکه الان این ماده قانونی به وجود آمده باشد. اما پندی در قانون وجود دارد که اگر همکاری با شبکه‌های معاند در جهت تضعیف نظام تلقی شود، این همکاری ممنوع است. اما اینجا باید در تعریف شبکه‌های معاند هم‌نظر شویم. آیا با این تعریف حسی می‌توانیم برخورد کنیم یا اینکه تعریف را ارجاع می‌دهیم به شورای امنیت ملی یا قوه قضائیه که تعریف شبکه‌های معاند چیست؟ در تعریفی آمده شبکه معاند شبکه‌ای است که آنتن این شبکه در کشور متخاصم باشد. این مصداق شبکه معاند است اما اگر آنتن شبکه‌ای در کشور مالزی یا عربی باشد، تکلیف چه می‌شود؟ یا سؤال دیگر اینکه ما چه کشورهایی را معاند می‌دانیم؟ درواقع باید شورای امنیت یا مقامات مسئول پاسخ این سؤالات را بدهند. بعضی شبکه‌های ماهواره‌ای از بازاربیت بیشتری برخوردار هستند ولی بعضی شبکه‌ها بازاربیت کمتری دارند آیا شبکه‌های ماهواره‌ای‌ای که بازاربیت ندارند، معاند نیستند؟ اساساً مشکل بزرگ این است که ما در تشخیص شبکه‌های معاند دچار سردرگمی هستیم و تا زمانی که دراین‌باره حدود و قانونی وجود داشته باشد، سینماگران ما دچار سوءتفاهم می‌شوند. اگر به جای شبکه‌های جم، از این پس شبکه‌های دیگر ماهواره تصمیم بگیرند برای فیلم‌های سینمای ایران تبلیغ کنند، آن وقت چه باید کرد؟ آیا از نظر دولت، شبکه‌های دیگر هم معاند به حساب می‌آیند یا خیر؟ مثلاً اگر شبکه‌های روسی تبلیغ فیلم‌ها

هنر

دومین نامه «حقیقی» به «جنتی»

سید مهدی خاموشی، آقایان ضیاءالدین دری، محمدباقر قهرمانی، حسین کرمی، مجید رضاییلا، سیداحمدرضا دستغیب و محمدحسین لطیفی «در نمی‌رود». این آقایان تسلط چشمگیری بر کارشان دارند و وصله حواس‌پرتی و سهل‌انگاری به آنها نمی‌چسبد. بنابراین، به‌طور قانونی پروانه نمایش برای فیلم من، باید نتیجه گرفت فیلم «پنجاه کیلو آلبالو» به وضوح مورد تأیید این آقایان قرار گرفته بوده. به عبارت دیگر، این افراد مجرب و متعهد صراحتاً با نظر شخصی شما مبنی براینکه فیلم مناسب اکران نیست، مخالف بوده‌اند.

۲. ماجرای توقیف فیلم «پنجاه کیلو آلبالو» بعد از دیدار شما با برخی از افسراد صاحب‌نظر خارج از حیطه مدیریت سینما آغاز شد. من بی‌اندازه و متأسفم که فیلم «پنجاه کیلو آلبالو» به مذاق این افراد محترم خوش نیامده، هر چند تردید دارم آنها فیلم من را به‌شخصه دیده باشند. اما سؤال من و همه همکاران من در سینمای ایران از شما این است: دقیقاً چه کسی مسئول صدور اجازه نمایش برای فیلم‌های ماست؟ در شرایط فعلی سینمای ایران و تا زمانی که مفهوم ممیزی، هر چند نادرست، پدیده‌ای متعارف و طبیعی در حیطه کار ما تلقی می‌شود، برای من حیاتی است بتوانم با صادرکننده این رای صحبت کنم؛ با او مذاکره کنم، مواضع خود را به او توضیح دهم، سوءتفاهم‌ها را از میان بردارم و از خلال این گفت‌وگوها فیلمم را برای مردم کشورم نمایش دهم. این حق طبیعی من است. تحقق این امر با اعضای شورای پروانه نمایش درحال‌حاضر به اندازه کافی دشوار هست، ولی آیا از من انتظار می‌رود این مذاکرات را با یک‌تک افرادی که در خارج از ساختار مدیریت سینما صاحب نفوذ هستند نیز انجام بدهم؟ من به چه شکل و با عبور از چه مسیرهایی می‌توانم به این افراد توضیح بدهم انگیزه‌ام در ساخت این فیلم چه بوده؟ آیا واقعاً قرار بر این است حکم این افراد محترم، بدون چون و چرا، بدون فرصتی برای دفاع و بدون حق اعتراض، درست‌بر فیلم من اعمال بشود؟ چرا باید چنین باشد؟ در دادگاه‌های مملکت حتی متهمان به قتل فرصت دارند از خود دفاع کنند. چرا من بیش از صدور حکم چنین فرصتی ندارم؟ پس تمام سازوکار پیچیده ممیزی وزارت ارشاد به چه منظور طراحی شده؟ و ما چرا این همه وقت و انرژی را در پیچ‌وخم این دستگاه تلف می‌کنیم؟ اگر قرار است تصمیم‌گیری مربوط به ممیزی فیلم‌ها خارج از شکل متعارف و بیرون از چارچوب وزارت ارشاد گرفته بشوند، لطفاً این نکته را رسماً به ما اعلام کنید تا با تصمیم‌گیرندگان واقعی تماس بگیریم؛ مجوزهایمان را از آنها طلب کنیم و دیگر کاری به زیرستان شما در وزارت ارشاد نداشته باشیم.

جناب آقای وزیر لطفاً دقت کنید که من تک‌تک مراحل اخذ مجوزهای قانونی را از وزارت خانه شما گذرانده‌ام، اما شما بدون توجه به این سلسله مراتب و بدون احترام به قانونی که خود پاسدار آن هستید، حکم توقیف فیلم من را صادر کرده‌اید. این شما هستید، و نه من، که رفتاری قانون‌گریز، هنجارشکن و خارج از عرف داشته‌اید. بنابراین، هم انصاف و هم عقل سلیم حکم می‌کند شما، و نه من، بابت رفتارتان پاسخگو باشید.

۳. در خبرها به نقل از شما آمده بود که فیلم من «سقوط خانواده را ترویج می‌کند»، «الگوی نامناسبی ارائه می‌دهد» و «مغایر سیاست‌های

دولت» است. در اینکه فیلم «پنجاه کیلو آلبالو» موافقان و مخالفان زیادی دارد تردیدی نیست. ما همه به چشم خود شاهد خانواده‌هایی بودیم که در ایام نوروز در عجیب‌ترین ساعات شب و روز برای سومین یا چهارمین‌بار دسته‌جمعی به تماشای این فیلم می‌نشستند و به فقهقه می‌خندیدند. همچنین، خواننده نقدها و مقاله‌های بسیار زیادی بودیم که ساخته‌شدن و اکران این فیلم ابراز ناخرسندی و انزجار می‌کردند و مثل شما آن را مروج الگوهایی مغایر با باورهای خود می‌دانستند. جناب آقای وزیر، ماهیت هنر همین است. فیلم باید با مخاطبش را بخنداند و با خوشن را به جوش بیاورد، بعضی را عاشق خودش کند و بعضی را از خود متنفر کند. فیلم باید به بحث و جدل بینجامد. فیلمی که این کار را نکند سترون و بی‌خاصیت است. من به عنوان فیلم‌ساز وظیفه دارم الگوهای جدید و ناشناختی برای زندگی پیشنهاد کنم، وظیفه دارم عرف‌های جامعه را به چالش بکشم و حتی وظیفه دارم که سیاست‌های دولتم را نقد کنم. شما به عنوان وزیر فرهنگ و هنر کشور وظیفه دارید شرایط سالم، امن و متعادلی را هم برای من و هم برای منتقدان من فراهم کنید تا بتوانیم با یکدیگر بحث و جدل کنیم و نقطه‌نظرهایمان را برای هم توضیح بدهیم. شما قرار نیست داور این جدل باشید. شما قرار نیست رای بدهید که چه الگویی مناسب هست و چه الگویی مناسب نیست. شما میزان یک منظره بزرگ هستید و باید شرایط را برای ایجاد یک بحث داغ در حوزه فرهنگ فراهم کنید. پیش از دخالت ناگهانی شما، چنین بحثی پیرامون فیلم من به بهترین شکل در فضای مجازی و مطبوعات کشور جاری بود. چرا این بحث را متوقف کردید؟ چرا اجازه ندادید این جدل ادامه پیدا کند تا ما بهتر بفهمیم که در چگونه فرهنگی زندگی می‌کنیم؟ تا بهتر بفهمیم که مردم ما درباره عشق و ازدواج و تعهد و خانواده دقیقاً چه نظری دارند؟

منتقدان فیلم من حق دارند به تندی به من بتازند و دلایل مخالفت‌شان را هر جور صلاح می‌دانند در سطح جامعه منتشر کنند. موافقان فیلم هم حق دارند با همان شدت و هیجان از فیلم دفاع کنند و پیش‌فرض‌های گروه اول را به چالش بکشند. تضارب آرا یکی از ارکان دموکراسی است و جدل‌های پیرامون فیلم «پنجاه کیلو آلبالو» تجلی عینی این رکن بود. این که منتقدان به فیلم من حمله کنند و آن را با تندترین لحن نقد کنند حق آنها است و من با تمام وجود به این حق احترام می‌گذارم، حتی اگر تعداد بی‌شماری از آنها همین حق را متقابلاً برای من قایل نباشند. اما جناب آقای جنتی، شما وزیر فرهنگ این کشور هستید و نه منتقد فیلم. شما قرار نیست وارد حیطه نقد فیلم بشوید و از یکی از طرفین این جدل حمایت کنید. وظیفه شما ایجاد شرایط مناسب برای پیش‌برد این بحث است و نه پایان دادن به آن، و من عمیقاً متأسفم که شما تا این حد در انجام وظیفاتان کوتاهی کرده‌اید. توقف نمایش فیلم «پنجاه کیلو آلبالو» اشتباه بزرگی بود و حرف‌های شما در توجیه این اشتباه ابعاد خطای شما را چندین برابر بزرگ‌تر کرد. برای شما آرزوی شادی و سلامتی و آزادی روزافزون کنم.

با احترام،

مانی حقیقی



تهیه‌کنندگان محترم وقتی برای تبلیغ فیلمشان از امکان مالی زیادی برخوردار نیستند، ناچار هستند دست به این اقدام بزنند. به نظر من باید دراین‌باره فکری اساسی کرد و اساساً بیلبوردهای شهرداری به طور یکسان در اختیار همه تهیه‌کننده پخش‌کننده‌هایی که فیلمی بر پرده اکران دارند، تعلق گیرد و هزینه‌ای هم بابت این امکانات از آنها گرفته نشود. قطعاً تلویزیون باید راهکاری پیدا کند که تیزرهای این فیلم‌ها از شبکه‌های داخلی پخش شود. باید به نمایش فیلم‌ها و دیده‌شدن آنها کمک کرد والا کجا می‌توان فرصتی برای آگهی این فیلم‌ها پیدا کرد؟ اینکه جلو نمایش فیلمی گرفته شود، پس چرا اینش پروانه نمایش صادر کردید؟ به این مسئله باید فکر کرد که این تهیه‌کنندگان باید به سرمایه و هزینه اولیه فیلمشان دست پیدا کنند؛ نمی‌توان این سرمایه را رها کرد.

مکری: فیلم‌سازان راحت فشارمی گذارند

به نظر من این تصمیم اشتباهی است که امکان دیده‌شدن ر از فیلمی که همه مراحل قانونی برای ساختن‌شدن و به نمایش‌درآمدن را طی کرده، می‌گیرند و بهانه هم این است که تبلیغ فیلم در شبکه‌های ماهواره‌ای پخش شده است. انکار قرار بر این است ما فیلم‌سازان با قیمت‌های بالا و قوانین سخت تلویزیون مجبور شویم تبلیغات فیلم‌هایمان را به صدواسیمیا بدهیم. با این کار، بازار انحصاری را تقویت می‌کنند درحالی‌که همه می‌دانیم صدواسیمیا مخاطبی ندارد و در افزایش فروش یک فیلم از تأثیری برخوردار نیست. این مدل تصمیم‌گیری و مجبورکردن و دست‌ور دادن به فیلم‌سازها اشتباه است. همان‌طوری که فیلم‌سازها برای تصویب فیلم‌نامه تحت فشار بودند و برای چگونگی فیلم‌براری و برای دریافت پروانه نمایش تحت فشار بودند، الان برای چگونگی تبلیغ فیلم‌هایشان با مشکل مواجه می‌شوند. به نظر من، مسئولان به جای ارائه راه‌حل، صورت‌مسئله را پاک می‌کنند و با این برخورد آنها مشکل حل نمی‌شود. اگر آنها به تقویت تلویزیون فکر می‌کنند تا پول بیشتری بدین طریق از فیلم‌سازها بگیرند، این اتفاق نمی‌افتد چون تلویزیون ما مخاطبی ندارد و مکان خوبی برای تبلیغ و معرفی فیلم‌ها نیست.

آریان: فیلم‌سازی کار سختی است

از این فرصت استفاده می‌کنم و می‌خواهم از فیلم سینمایی «عادت نمی‌کنیم» بگویم. فیلم‌سازی کار بسیار سختی است. امیدوارم اتفاقاتی که برای برخی فیلم‌ها افتاده و سینماگران ازجمله عوامل این کار را تاراکت، کرده، هرچه زودتر برطرف شود.

اطلاعیه صاحبان مشاغل:

بر اساس اصلاحیه جدید قانون مالیات های مستقیم، مهلت تسلیم اظهارنامه مالیات بر درآمد صاحبان مشاغل (حقیقی) از تیرماه به خرداد ماه تغییر یافته و مودیان محترم بایستی اظهارنامه الکترونیکی عملکرد سال ۹۴ را از طریق سامانه www.tax.gov.ir حداکثر تا پایان خرداد ماه ۹۵ ارائه نمایند.

سازمان امور مالیاتی کشور

ادامه از صفحه ۳

رمضان در اینستاگرام

او در یکی از پست‌های خود فیلمی از پیرمردی را منتشر کرده است که با حرکات توپ مشغول امرار معاش است و با به‌طور واضح‌تر مشغول روپایی‌زدن است. ضرغامی همین روپایی را بهانه‌ای برای تحلیل خود قرار داده و درباره این فیلم نوشته است: «متأسفانه تفکرات شبه‌سوسیالیستی و روشنفکرانه سال‌های اول پیروزی انقلاب توانست خود را بر اقتصاد کشور تحمیل کرده و زمینه‌ساز شکل‌گیری اقتصاد رانتی و غیرشفاف شود که تا امروز نیز ادامه دارد... یکی از سیاسیون خبر از فساد ۱۰۵هزار میلیاردتومانی دولت می‌دهد. روزنامه‌های آن طرفی با آب‌وتاب آن را علیه دولت قبل تیتز یک می‌کنند. فردایش می‌گویند نه! منظور او دولت فعلی است! و دوباره روزنامه‌های این‌طرفی تیتزر می‌کنند!! با ملت روپایی بازی نکنیم!! اینن اجماع مرکب به ناکارآمدی و فساد در کشور، به مراتب از ارسال فیلم‌های سیاه به جشنواره‌های خارجی که دیروز گفتم، مخرب‌تر است!!»

او به بهانه دیدن فیلم «ابد و یک روز» احتمال سفراشی‌بودن آن از فراسوی مرزها را بعید ندانسته و نوشته بود: «... از نظر من، مخاطبان فیلم اهمیت دارند. ابد و یک روز یک فیلم کاملاً درون خانوادگی است که دست‌کم می‌تواند برای نخبگان، مدیران و دلسوزان جامعه هشداردهنده باشد؛ درصورتی‌که این فیلم، به‌عنوان فیلم برگزیده به جشنواره‌های خارجی ارسال و از آن طریق چه‌رهای زشت و تحقیرشده از جامعه امروز ایران تصویر شود، اقدامی ضدملی تلقی خواهد شد و شبهه سفارشی‌بودن آن از فراسوی آب‌ها را تقویت می‌کند. نقش آفرینی نوید محمدزاده به‌عنوان یک معتاد عاصی و پرخاشگر را بسیار می‌پسندم و آن را با اثر ماندگار آقای مسعود کیمیایی در گون‌ها مقایسه‌کردنی می‌دانم.

ضرغامی با آمدن ماه رمضان هم پستی مناسبی را به همین مورد اختصاص داده و نوشته است: «... اگر توقیف روزه‌داری شامل حالمان شد، آن هم در این گرمای فوق‌العاده و طولانی‌بودن روزها، بهترین دلیل بر «بودن ما» و شایستگی برای عمل به فریضه الهی است. با هم‌راhan عزیزی که به دلایل شرعی نمی‌تواند روزه بگیرند، مهربردی می‌کنیم! چراکه سختی و مشقت غیطه‌خوردن به روزه‌داران، سخت‌تر از روزه‌داری است.»

سرلشکر در اینستاگرام

محسن رضایی هم ازجمله فعالان اینستاگرامی است که اغلب پست‌های خود را به مطالبی درباره جنگ و سپاه اختصاص داده است. رضایی که چندی است دوباره لباس سپاه به درجه سرلشکری را به تن می‌کند، در یکی از پست‌های خود که تصویر خود و مقام معظم رهبری را در لباس نظامی نشان می‌دهد، درباره اقتصاد مقاومتی نوشته است: «... متأسفانه اشکالات نظام اداری و مدیریتی کشور و برخی فسادها و تبعیض و پارتی‌بازی هنوز وجود دارد. #بی‌اعتمادی به جوانان کشور و زدوخوردهای سیاسی مانع پیشرفت کشور است. دولت‌ها باید اجازه دهند #انقلاب اسلامی، وارد اقتصاد ملی شود. اگر هم خودشان نمی‌توانند، باید اجازه بدهند نیروهای انقلاب همان‌طور که #شاه را بیرون کردند، #صدام-حسین را از خاک کشور فراری داندن، فقر، بی‌کاری و تبعیض را از این کشور بیرون کنند».

رضایی در یکی از پست‌های خود با انتشار تصویری از اعدام یک فیل که ظاهراً در آمریکا به وقوع پیوسته، چنین نوشته بود: «... مری اولین فیلی بود که در سال ۱۹۱۶ در آمریکا اعدام شد!» آیا ملتی با چنین فرهنگ عقب‌افتاده‌ای می‌تواند طرف صد سال مستعد پیشرفت باشد؟ ولی ما با آن تمدن چند هزارساله ایرانی و چهارده قرن تمدن درخشان اسلامی نمی‌توانیم پیشرفت کنیم؟» رضایی در پست رضائی خود هم چنین نوشت: «... درحقیقت معنای روزه این است که برای حضور در نزد خدا باید دل از دنیا بکنیم و به مردم و به‌ویژه محرومان و فقرا که عیال خدا هستند، برسیم تا سر سفره خدا قرار بگیریم که برکت در چنین سفره‌ای است.»

علی لاریجانی، رئیس مجلس، محمدرضا عارف، مصطفی معین و پایگاه‌های مختلف اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری هم صفحاتی را در اینستاگرام دارند که بیشتر به مناسبت‌های تاریخی و اخبار و تحلیل می‌پردازند. خیلی از منتسبان و خوشنودان سیاسی‌ها هم از فعالان اینستاگرامی هستند که به واسطه انتشار تصویری از شکل زندگی خود، تصویر روشن‌تری از این طبقه به دست می‌دهند. تصویری که اگر دست‌کم تا دهه گذشته جزء پشت پرده‌ها محسوب می‌شد، امروز در دسترس است.



سازمان امور مالیاتی کشور